|  |
| --- |
| **بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيم**  **\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***  **1- خير و شر:**  **عاقل, از طريق ارتباط با خدا و خدمت به مردم و تداوم خوش رفتاري با آنها, صفات خوب و خير رساني به ديگران را در وجود خود پرورش مي دهد.**  **جاهل, به جهت عدم ارتباط با خدا و مداومت در بدرفتاري و خيانت به مردم, صفات بد و شر رساني به ديگران را در وجود خود رشد مي دهد.** |
| **2- تصديق و جحود :**  **عاقل, راستگوئي و راستگويان (پيغمبران) را تصديق و به گفته هاي آنها عمل مي كند.**  **جاهل, راستگوئي و راستگويان (پيغمبران) را تكذيب و به گفته هاي آنها عمل نمي كند.** |
| **-3رجاء و قنوط :**  **عاقل, با نگرش بي نهايت و ابديت به زندگي در هرحالي و نعمتي به آينده و زندگي بهتر و بالاتري اميدوار و براي رسيدن به آن حركت مي كند.**  **جاهل, زندگي را منحصر به مسائل مادي مي داند كه ابتداي آن تولد و انتهاي آن مرگ است در نتيجه فكر او نسبت به آينده بعد از مرگ در بن بست و اميدش به نا اميدي تبديل مي شود.** |
| **4- رضاء و سخط :**  **عاقل, به جهت يقيني كه به نتايج مقدرات دارد از زندگي خود راضي است و براي اصلاح و بهبود مقدرات, خود را مجهز به علم و دانش و معرفت مي كند.**  **جاهل, به جهت بي اطلاعي و نااميدي از نتايج مقدرات, از زندگي خود ناراضي است و به خدا و خلقت خود بدگمان و از تاثير علم و معرفت در اصلاح مقدرات خود بي خبر است.** |
| **5- شكران و كفران :**  **عاقل, از نعمت هاي خدا به جا و طبق فرمان او استفاده مي كند.**  **جاهل, نعمت هاي خدا را ضايع و ازآنها افسارگسيخته وخود راي استفاده مي كند.** |
| **6- طمع و ياس :**  **عاقل, به صورت مداوم از طريق مجهز نمودن خود به علم و دانش و با دعا و نيايش براي به دست آوردن نعمت هاي مادي و معنوي خداوند متعال تلاش مي كند.**  **جاهل, به جهت نداشتن علم و دانش و عدم آشنائي با چگونگي برقراري ارتباط با خدا در به دست آوردن نعمت هاي مادي و معنوي خدا ناتوان ومايوس است.** |
| **7- توكل و حرص :**  **عاقل, به خدائي توكل دارد كه قدرتمند و ثروتمند و ازخود او به خودش مهربان تر است.**  **جاهل, سعادت خود را در حريص بودن در جمع آوري مال و ثروت و ضايع كردن رضايت خدا و انسان ها در اين راه مي داند.** |
| **8- رافت و قسوت :**  **عاقل, خود را موظف به رفع ظلم و ستم از ستم ديدگان و مصيبت زدگان مي داند.**  **جاهل, از بلا و مصيبتي كه به وسيله او و يا ديگران به مردم مي رسد متاسف نمي شود.** |
| **9- رحمت و غضب :**  **عاقل, براي به دست آوردن رحمت خدا, خود را موظف به رعايت حقوق انسان ها و مفاد قراردادهائي مي داند كه با آنها دارد .**  **جاهل, براي تسلط بر ديگران از طريق نامشروع و اعمال غضب, آنها را از حقوق انساني و آزادي محروم مي كند.** |
| **10- علم و جهل:**  **عاقل, اعمالش را توام با تفكر و تامل و به صورت عالمانه و آگاهانه انجام مي دهد.**  **جاهل, اعمال و رفتارش را بر پايه هوي و هوس و بدون تامل و تفكر و بدون توجه به مصالح و مفاسد آن انجام مي دهد.** |
| **11- فهم و حماقت :**  **عاقل, هر سخني و عملي را كه مي شنود و يا مي بيند توانائي بررسي و تشخيص و درك نفع و ضررآن را براي خود و جامعه و دين دارد.**  **جاهل, تحت تاثير سخنان و اعمالي است كه او را به سوي خود جلب مي كند و قدرت تشخيص و فهم نفع و ضررآن را براي خود و جامعه و دين ندارد.** |
| **12- عفت و تهتك :**  **عاقل, از طمع بستن به مال و ناموس مردم خودداري و ضمن احترام به انسانيت و فضيلت انسانها بدون چشم داشتي خود را موظف به خدمت به آنها مي داند.**  **جاهل, با پرده دري و تجاوز به حريم انسانيت , انسان ها را به صورت كالا, طعمه و لقمه خود قرارداده و از وجودآنها درجهت منافع خود بهره برداري مي كند.** |
| **13- زهد و رغبت :**  **عاقل, علاقه به غيرخدا و حقيقت را به دل خود راه نمي دهد و آن را مركز محبت به خدا و اولياء خدا قرار داده و درآبادي دنيا بدون گرايش به نامشروع تلاش مي كند.**  **جاهل, خدا و حقيقت را رها و از حوزه قلبي خود خارج نموده و دنيا و ماديات را هدف و مورد علاقه خود قرار داده و براي رسيدن به آن به نامشروع متوسل مي شود.** |
| **14- تواضع و تكبر :**  **عاقل, هرچه برمقام و فضيلت او افزوده مي شود تواضع و متانت او بيشتر و با هركسي رو به رو مي شود خود را درحد و وضع او قرار داده و موفقيت خود را به رخ آنها نمي كشد.**  **جاهل, به دليل مقام و ثروتي كه دارد در برخورد با انسانها موفقيت خود را به رخ آنها كشيده وبه آنها بي اعتنائي ميكند وعقده حقارت درآنها بوجود مي آورد.** |
| **15- تووده و تسرع :**  **عاقل, در كسب مال و ثروت توام با متانت وآرامش, با حفظ آبرو و عزت انسان ها به دنبال به دست آوردن رضايت خدا و مردم است.**  **جاهل, در كسب مال و ثروت و مقام, شتاب زده است و شغل خود را دام و تله و كمين گاهي براي صيد انسان ها و ربودن روزي** **آنها قرار مي دهد.** |
| **16- حلم و سفاهت :**  **عاقل, با افراد اجتماع و زيردستان و كساني كه تحت تعليم و تربيت او هستند با بردباري و متانت برخورد مي كند.**  **جاهل, بدون دليل و تامل به حقوق انساني افراد تجاوز مي كند و براي كسي احترام قائل نيست و خود را بالاتر و بهتر از ديگران مي داند و متعرض آنها بوده و دربرابر كوچك ترين اعتراضي به مبارزه بر مي خيزد.** |
| **17- صمت و هذر :**  **عاقل, از گفتاري كه فوائد شخصي و اجتماعي ندارد خودداري و حضورش در مجالس , نگاه و حرف زدن او مايه خير و بركت بوده و مردم را از فوائد وجودي خود بهره مند مي كند.**  **جاهل, ياوه و بيهوده گوئي مي كند و از نتايج سخنان خود غافل و وقت خود و ديگران را ضايع مي كند.** |
| **18- استسلام و استكبار :**  **عاقل, همه جا دوست دارد در هركاري زمام امرش به دست خدا باشد و در شعاع تسليم و هدايت خدا, انجام وظيفه كند.**  **جاهل, مغرور و خود سر و متكبر است و خود را بالاتر از ديگران مي داند و توانائي درك كوچك بودن خود در برابر عظمت خدا را ندارد. در نتيجه افسارگسيخته از ولايت خدا و اسلام خارج مي شود.** |
| **19- تسليم و شك :**  **عاقل, وجود خدا و قدرت خدا و حكمت و محبت او را درباره خود درك مي كند و سعادت خود را در تسليم و واگذاري كارها به او مي داند.**  **جاهل, به جهت تبعيت از هوي و هوس و عدم ارتباط با خدا حقايق دوردست و ماوراء طبيعت را درك نمي كند و در اعتقاد به خدا و زندگي آخرت دچار شك و ترديد است .** |
| **20- صبر و جزع :**  **عاقل, در برابر مصيبت از دست دادن هر چيزي كه مورد علاقه و مانع حركت او به سوي خدا و كمالات معنوي است در انتظار وصول به نتايج آن, صبر و استقامت دارد.**  **جاهل, دربرابر از دست دادن چيزهاي مورد علاقه و دلبستگي خود توان ايستادگي ندارد و از تقديرات خدا به خلق** **خدا شكايت مي كند و از دايره پاكي خارج شده و خود را به گناه آلوده مي كند.** |
| **21- صفح و انتقام :**  **عاقل, با وجود داشتن توانائي و قدرت براي انتقام, ضمن دفاع از حقوق مشروع خود و اجازه ندادن به ظالم براي ظلم** **و ستم , عفو و گذشت دارد.**  **جاهل, به جهت ضعف و زبوني و بهره مند نبودن از معارف الهي و انساني به محض به دست آوردن قدرت, در مقام انتقام جوئي از انسان هائي كه پائين تر از او هستند , بر مي آيد.** |
| **22- غنا و فقر :**  **عاقل, در شعاع اطاعت و ارتباط با خدا و به دست آوردن فيوضات معنوي, صفات و علم و اخلاق الهي را مي آموزد و از غير خود بي نياز مي شود.**  **جاهل, به جهت عدم ارتباط با خدا و اطاعت از هوي و هوس خود و انسان هائي نظير خود , از نعمت ها و فيوضات الهي محروم و دائما در فقر و نياز روحي و رواني قرار دارد.** |
| **23- تذكر و سهو :**  **عاقل,** **در نتيجه كسب معارف الهي و رسيدن به كمالات معنوي ذهن و افكارش همانند خورشيد كه به اجزاء و ذرات عالم رسوخ مي كند به تمام مسائل جزئي و كلي عالم آگاه مي شود.**  **جاهل, به جهت پيروي از هوي و هوس و مجهز نشدن به عقل و دانش و تاريك بودن افكارش از درك جزئيات عالم هستي عاجز است.** |
| **24- حفظ و نسيان :**  **عاقل, خود را حافظ اعمال و مسائلي مي داند كه از جانب خدا براي سعادت و نجات او از مهالك دنيا وآخرت مقرر شده و خود را موظف به انجام آنها دانسته و از نامشروع حفظ مي كند.**  **جاهل, عوامل نجات بخش از مهالك دنيا و آخرت را فراموش كرده و بندگي و**  **اطاعت خدا و وظيفه شناسي در راه حصول به مقاصد عالي انساني و اخلاقي را رها مي كند.** |
| **25- تعطف و قطيعه :**  **عاقل, بر پايه محبت و مهرباني ضمن ارتباط و همكاري با انسان ها در جهت تامين سعادت آنها كوشاست.**  **جاهل, به دليل خود خواهي و احساس عدم نياز به ارتباط عاطفي با انسان ها با قطع رحم , اقوام وخويشان ودوستان خود را ازدست مي دهد.** |
| **26- قنوع و حرص :**  **عاقل, به اموالي كه با رعايت حقوق انسان ها و از طريق خدمت به آنها به دست آورده , قانع است.**  **جاهل, تمام عمر خود را حريصانه صرف جمع آوري مال و ثروت مي كند و به كسب علم و فضيلت اهميتي قائل نيست.** |
| **27- مواسات و منع :**  **عاقل, در جهت خدمت به مردم و اداء حقوق اجتماعي آنها خود را به رنج و زحمت مي اندازد.**  **جاهل,حفظ موجوديت خود را در ربودن ثروت انسانها و ايجاد مانع در راه احقاق حقوق آنها مي داند.** |
| **28- مودت و عداوت :**  **عاقل, براساس محبت قلبي, خود را وابسته به خدا و اولياء خدا مي داند و در راه اهداف آنها فعاليت و به مردم خدمت مي كند.**  **جاهل, نسبت به انسان ها بدبين و درصورت عدم موفقيت در بهره مندي از آنها در جهت تامين منافع مالي خود با آنها عداوت و دشمني مي كند.** |
| **29- وفا و غدر :**  **عاقل, در راه اهداف خدا و اولياء خدا براي پيدايش جامعه انساني و الهي با ايثار مال و جان, خود را مستهلك مي كند.**  **جاهل, به جهت خود محوري و مال پرستي حق خدا و انسان ها را ضايع و منافع خود را به همه چيز ترجيح مي دهد.** |
| **30- طاعت و معصيت :**  **عاقل, اعمال و اخلاقش با ميل و رغبت طبق دستورات خدا و در مسير جلب رضايت اوست.**  **جاهل, سركش و متجاوز و طالب خود مختاري و مخالف تمام قيوداتي است كه نيازمند جامعه سالم انساني و الهي است.** |
| **31- خضوع و تطاول :**  **عاقل, ارزش وجودي خود و ديگران را كاملا مي شناسد و نسبت به ديگران حالت خضوع دارد.**  **جاهل, قدر و منزلت خود و ديگران را نمي شناسد و به جهت جاه طلبي, بيش از استعداد و توانائي خود طالب مال و مقام است.** |
| **32- سلامت و بلا :**  **عاقل, دنيا را به عنوان وسيله اي براي آخرت مي داند و برابر نعمت هائي كه در دنيا از دست مي دهد , چندين برابر اجر آخرتي دارد.**  **جاهل, سلامتي و سرمايه هاي زندگي اش دائما دستخوش بلا و حوادث مي شود و همه آنها را از دست داده و به عذاب آخرتي گرفتار است.** |
| **33- حب و بغض :**  **عاقل, با تفكر و تعقل درآثار عظمت و قدرت خدا و شناخت نعمت هاي ظاهري و باطني او , خدا و انسان هاي وابسته به خدا را دوست دارد.**  **جاهل,نسبت به انسان ها عناد دارد و دوست ندارد مخالفين خود را خوشبخت و موفق ببيند و از هلاكت آنها خوشحال و مسرور مي شود.** |
| **34- صدق و كذب :**  **عاقل, با صداقت و راستگوئي, محبت انسان ها و خدا را به خود جلب مي كند و در نتيجه از سرمايه هاي وجودي آنها بهره مند مي شود.**  **جاهل, با دروغگوئي, رابطه خود را با انسان ها تيره و اعتماد آنها را از خود سلب و از بهره مندي از سرمايه هاي وجودي آنها محروم مي شود.** |
| **35- حق و باطل :**  **عاقل, هدفش جلب رضايت خدا از طريق محبت و خدمت به انسان ها در راستاي ايجاد آسايش و رفاه و هدايت آنها به سعادت و خوشبختي است.**  **جاهل, هدفش ضايع كردن حق خدا و انسان ها با خيانت به آنها از طريق ربودن مال و ثروت و كشاندن آنها به طرف گمراهي و تباهي است.** |
| **36- امانت و خيانت :**  **عاقل, با رعايت عملي حقوق انسان ها, ايجاد عدالت و امنيت مي كند طوري كه مردم اموال و اسرار و مقدرات خود را به او مي سپارند.**  **جاهل, به جهت مال پرستي و جاه طلبي و عدم توجه به رعايت حقوق انسان ها در كسب مال و ثروت متوسل به خيانت به آنها مي شود.** |
| **37- اخلاص و شوب :**  **عاقل, براي خود و غير خود و خدا خالص و چيزي سواي خود نيست و اعمال و افكار او در راستاي تحقق اهداف الهي و انساني است.**  **جاهل, ازكار و فعاليت خود اهداف غيرالهي و غيرانساني دارد و جلب مال و ثروت و قدرت را بر رضايت خدا و انسان ها ترجيح مي دهد.** |
| **38- شهامت و بلادت :**  **عاقل, هدف عالي انساني و آخرتي دارد و براي نجات مردم از مهالك تلاش كرده و با تيز هوشي , دوست و دشمن و مفاصد و مصالح را از هم تميز مي دهد.**  **جاهل, حقيقت و مصالح زندگي و سعادت آخرتي خود را درك نمي كند و براي رسيدن به آنها و يا رهائي از محروميت ها در دنيا وآخرت تلاش نمي كند.** |
| **39- فهم و غباوت :**  **عاقل, در فهم مطالبي كه مربوط به معارف الهي و شناخت اولياء خدا و انسان ها است , سريع الانتقال ونتايج جلب رضايت خدا ازطريق جلب رضاي خلق را به خوبي درك مي كند.**  **جاهل, به جهت غفلت و كند ذهني, از درك معارف توحيدي و حقايق آخرتي عاجز است و توانائي درك نتايج عبادت ها و خدمات اجتماعي را ندارد.** |
| **40- معرفت و انكار:**  **عاقل, توانائي ارتباط دادن بين درك و دانش خود با حقيقت و طبيعت را دارد و به كمك حس هفتم (عقل) هستي هاي بيرون از خود مانند خدا و فرشتگان را آن طور كه هستند, مي شناسد.**  **جاهل, انساني مادي مزاج است كه فقط به طبيعت نفس, مي داند و مي گويد و نمي تواند افكار خود را با واقعيات مربوط سازد و به اقتضاي نفس خود منكر حقايق در ماوراء طبيعت است.** |
| **41-مدارا و مكاشفه :**  **عاقل, صد در صد اجتماعي و علاقمند به حشر و زندگي با انسان ها بوده و به عنوان مربي ,نقص و عيوب آنها را مستور و آنها را از دايره محبت و ولايت خود خارج نمي كند.**  **جاهل, عيوب و گناه مردم را آشكار و در نظر ديگران جلوه مي دهد و موفقيت خود را در كوبيدن كاخ عزت و آبروي انسان ها مي داند.** |
| **42- سلامت الغيب و مماكره :**  **عاقل, ارزش اجتماعي و عزت و آبروي ديگران را در غياب آنها با ترك غيبت, حفظ در نتيجه دوستان زيادي پيدا مي كند.**  **جاهل, در غياب افراد با تبليغات ضد انساني افكار شنوندگان را برعليه انساني آلوده مي كند و مردم را به عداوت با او بر مي انگيزد در نتيجه تمام دوستان خود را از دست مي دهد.** |
| **43- كتمان و افشاء :**  **عاقل,توانائي هاي مادي و معنوي انسان ها واهداف و اسرار و مقاصدي را كه براي رسيدن به موفقيت هائي در نظر دارند از دشمنان آنها و انسان هاي جاهل كتمان مي كند.**  **جاهل,توانائي مادي و معنوي انسان ها و يا اهداف و اسرار و مقاصدي كه براي رسيدن به موفقيت در نظر دارند را افشاء و به اطلاع دشمنان آنها و انسان هاي جاهل مي رساند .** |
| **44-صلوه و اضاعه :**  **عاقل, از طريق نماز و دعا به معناي توجه به خدا و طلب فيض به صورت يك انسان محتاج و نيازمند جهت رفع نواقص وجودي خود با خدا ارتباط برقرار مي كند.**  **جاهل, به ميزان علم و ثروتي كه دارد خود را بي نياز دانسته و ارتباط خود را با خداي خود قطع مي كند و در نتيجه از شناسائي نواقص وجودي خود محروم و معنويت خود را ضايع مي كند.** |
| **45-صوم و افطار :**  **عاقل, سازندگي واقعي خود را كه تقويت روح ايمان و نورانيت و تقوا باشد از مسير اطاعت خدا و روزه داري مي داند نه از طريق خوردن و آشاميدن.**  **جاهل,به عوض روزه داري و اطاعت خدا مي خواهد با خوردن و آشاميدن خود را بپروراند و درخود نيرو و قدرت به وجود آورد.** |
| **46- جهاد و نكول :**  **عاقل, در مبارزه با هوي نفس و از بين بردن جهل و ناداني و مبارزه با كفر و نفاق در راستاي جلب لطف و رضاي خدا كوشا و فعال است.**  **جاهل,از حركت و پيشرفت به سوي رشد و كمال انساني و برطرف كردن موانع آن خودداري و آسايش و استراحت را به جهاد و مبارزه ترجيح مي دهد.** |
| **47- حج و نبذ ميثاق :**  **عاقل, به عهد خود با خدا پاي بند و دعوت خدا را اجابت و لبيك گويان از مناسك حج استقبال مي كند و با پوشيدن لباس بندگي خدا به آزادي مي رسد.**  **جاهل, عهد و پيمان الهي را رها نموده و از قيد اطاعت خدا خارج و تمايلي به انجام مناسك حج ندارد.** |
| **48- صون الحديث و نميمه :**  **عاقل, فضائل و مناقب و اسرار دوستان و انسان هاي خوب و با فضيلت را در برابر انسان هاي جاهل به منظور جلوگيري از ايجاد حس حقارت و انتقام جوئي درآنها حفظ و از افشاي آن خودداري مي كند.**  **جاهل,همه جا موفقيت خود را دركوبيدن آبرو و شخصيت انسان هاي بافضيلت و برتر از خود مي داند و با عيب جوئي و غيبت و سخن چيني آنها را در افكار ديگران بي اعتبار مي كند.** |
| **49- برالوالدين و ضدالعقوق :**  **عاقل, بدون انتظار اجر و پاداشي از پدر و مادر نسبت به آنها نيك رفتار و خود را موظف به خدمت به آنها مي داند و ضمن جلب محبت و رضايت والدين از دعاي خيرآنها بهره مند مي شود.**  **جاهل, خدمات پدر و مادر را نسبت به خود وظيفه آنها مي داند و ارتباط با آنها را منوط به دست آوردن منافع مالي و مادي مي داند و درصورت عدم موفقيت درآن, ضمن قطع رابطه , با آنها بدرفتاري مي كند.** |
| **50- حقيقت و رياء :**  **عاقل, زندگي دنيا را وسيله اي براي رسيدن به سعادت و خوشبختي درآخرت مي شناسد و ثمربخش بودن اعمال و عبادات خود را از مسير تقرب به خدا به معناي هماهنگي كامل با او مي داند.**  **جاهل, هدف از زندگي را توسعه طلبي و به دست آوردن مال و ثروت و مقام مي داند و رمز موفقيت خود را در متوسل شدن به رياكاري به منظور فريب انسان ها براي رسيدن به اهداف خود مي داند.** |
| **51- معروف و منكر :**  **عاقل, رفتار و كردارش مطابق با اعمال و اخلاقي است كه در جامعه و دين مورد پسند بوده و به نيكي و خوبي شناخته شده و در نتيجه از آثار و نتائج مثبت ناشي از عملكرد او, مردم و جامعه بهره مند مي شوند**  **جاهل, مرتكب اعمالي مي شود كه جامعه و دين آن را زشت شناخته و با انجام آن حق خدا و انسان ها را ضايع و خود و جامعه را به فساد مي كشد.** |
| **52- ستر و تبرج :**  **عاقل, مال و ثروت و علم و دانش و فضيلت هاي خود را از افراد فاقد آنها مستور و به رخ آنها نمي كشد مگر در صورتي كه آن را در اختيار عقب افتادگان قرار داده و آنها را از محروميت برهاند.**  **جاهل, مال و ثروت و توانائي هاي خود را با تظاهر به برتري به رخ ديگران مي كشد و آنها را در نظر خودشان و ديگران, فقير و محروم نمايش داده و خود و جامعه را به هلاكت مي كشاند.** |
| **53- تقيه و اذاعه :**  **عاقل, در ارتباطات اجتماعي و سياسي و بيان نظرات خود ضمن احترام به عقائد ديگران با حفظ رابطه انساني از بروز عوامل تفرقه و اختلاف در جامعه جلوگيري و موجبات رشد انسانها را در رسيدن به علم و شعور و معرفت فراهم مي نمايد.**  **جاهل, علم و عقيده و يا هنر و اسراري را كه منشاء اختلاف و تفرقه و هلاكت انسان ها مي شود, فاش و آن را در اختيار افرادي قرار مي دهد كه مخالف مصالح و سعادت انسان ها بوده و با استفاده ازآن نفاق و كينه توزي را در جوامع تقويت و رواج مي دهند.** |
| **54- انصاف و حميه :**  **عاقل, خود را جزئي از جامعه و مديون آن مي داند و در برخوردهاي اجتماعي خود انتظار رعايت هرگونه حقوقي را كه از ديگران در مورد خودش دارد, خود را موظف به رعايت آن در خصوص ديگران مي داند.**  **جاهل, ارزش وجودي خود را مربوط به خود مي داند و حساب خود را از جامعه جدا و جامعه و حقوق انسان ها را فداي خود مي كند در نتيجه خود او نيز رها و ارزش انساني و اجتماعي را فداي خود مي كند.** |
| **55- حياء و جلع :**  **عاقل, ازظلم وخيانت و گناه ومعصيت و اعمالي كه خود وجامعه را به ذلت و رذالت مي كشد شرم دارد و آن را قبيح و مايه ضرر و خطر براي خود و جامعه مي داند و از آن مي گريزد.**  **جاهل, از دروغ و خيانت و ظلم و ستم پرهيز نمي كند و به جهت ارزش قائل نشدن به جامعه اي كه درآن زندگي مي كند در نهايت بي شرمي خود و جامعه را به كفر و گناه آلوده مي كند.** |
| **56- قصد و عدوان :**  **عاقل, مقصد خود را در زندگي, بهره برداري از لذائذ مادي از طريق جلب محبت و رضايت انسان ها و به دست آوردن علم و دانش و معرفت در چهارچوب فرامين خدا و اطاعت او تعيين كرده است.**  **جاهل, براي رسيدن به لذائذ مادي, حقوق انسان ها را ضايع و براي بهره مندي بيشتر به علت خودگرائي به واسطه ظلم آنها را محروم و درحال دشمني و مبارزه و جنگ با خود قرار مي دهد.** |
| **57- راحت و تعب :**  **عاقل, در سايه اطاعت از خدا و اولياء خدا, خود را از قيودات و دلبستگي به هواي نفس و مال و ثروت و مقام و دوستي با انسان هاي گمراه و گناه كار آزاد و آرامش روحي و فكري دارد.**  **جاهل, به جهت وابستگي به تمايلات نفساني و دلبستگي به مال و ثروت و مقام و رفاقت با انسان هاي گمراه و نادان, از ارتباط با خدا و اولياء خدا محروم و در حبس فكري و روحي قرارمي گيرد و رهائي از آن براي او بسيار سخت و مشقت بار است.** |
| **58- سهولت و صعوبت :**  **عاقل, براساس ادراكات خود , انسان را فوق جهان و عالم طبيعت و خود را در راه حركت به سوي خدا و زندگي آخرت مي داند و در همه حال با استفاده از راهنمائي هاي خدا و بهره برداري از لطف و عنايت او با حركت دراين راه بسيار سهل وآسان به مقصد مي رسد.**  **جاهل, براساس ادراكات خود, موفقيت و صلاح و خوشبختي خود را در خيانت به انسان ها و ربودن مال و ثروت از دست آنها مي داند فلذا درمعرض حوادث و خطرات نابود كننده اي قراردارد و براي رسيدن به كمالات انساني راهي بس دشوار و سخت در پيش روي دارد.** |
| **59- نشاط و كسالت :**  **عاقل, به جهت تلاش و فعاليت در راه آشنا شدن با علت و معلول ها , اراده و مشيت خدا براي او كشف و با حالت تسليم و تفويض امور به خدا در راه كمال و معرفت گام بر مي دارد و به نتائج كار و تلاش خود دراين راه كه همان رفع نيازها و خارج شدن از دايره بلا و ابتلائات و مصيبت هاست آگاه مي شود در نتيجه با نشاط و مسرور است.**  **جاهل, با بي اعتنائي به نقشه ها و راهنمائي هاي ديني و الهي درحال بي پروائي و خودسري و بدون احساس مسئوليت فعاليت مي كند و در حالي كه خيال مي كند براي خود زندگي ايده آلي به وجود مي آورد با نتائج توام با ضرر و خطر و بلا و مصيبت مواجه كه منجر به كسالت و غم و غصه او مي شود.** |
| **60- تهيه و بغي :**  **عاقل, درسايه اطاعت از خدا تمام تجهيزات وجودي خود اعم از مال و ثروت و علم و دانش و معرفت خود را مانند چشمه آب حيات آماده بهره برداري ديگران مي نمايد.**  **جاهل, به دليل اطاعت از هوي و هوس تمام امكانات و سرمايه هاي ديگران را ازآن خود مي داند و بدون انجام خدمتي به آنها با بي پروائي كامل در فكر تجاوزگري و ربودن دارائي هاي مردم است.** |
| **61- نظافت و قذارت :**  **عاقل, ضمن تطهير بدن و لباس و يا زندگي و لوازم مورد استفاده خود از همه آلودگي ها و نجاسات و رعايت خوردني ها و نوشيدني ها در چهارچوب فرامين الهي ازغرائز و صفاتي كه مايه آلودگي روحي و سقوط انساني او مي شود, خود را تزكيه مي نمايد.**  **جاهل,ضمن عدم رعايت نظافت فردي خود در ارتباط با بدن و لباس و لوازم مورد استفاده زندگي با مصرف خوردني ها و نوشيدني هاي حرام از نظر قانون الهي و ارتكاب گناه و معصيت عوارض و آلودگي هاي روحي دارد.** |
| **62- وقار و خفت :**  **عاقل, سازمان قلب و فكرش به خدا مربوط بوده و با درك عظمت خدا, روح و ايمانش تغذيه و نيرو گرفته و صفات پست و رذائل اخلاقي از وجودش برداشته شده و در برابر حوادث و مصائب زندگي از ايستادگي و توان بالائي برخوردار است.**  **جاهل, به دليل خودگرائي و عدم ارتباط با خدا از روحيه بسيار ضعيفي در برابر حوادث و مشكلات برخوردار بوده و كوچك ترين حادثه اي او را متزلرل و به ضعف و سستي كشانيده و مشرف به هلاكت مي شود.** |
| **63- استغفار و اغترار :**  **عاقل, در ارتباط با خدا از امراض روحي و نواقص وجودي خود مطلع و خود را مستحق مغفرت مي داند و با دعا و خواهش از خدا و انجام واجبات و مستحبات ديني , نورانيت و توان درك حقايق بيشتري پيدا مي كند.**  **جاهل, مغرور است و خود را نيازمند به كسب كمالات و فيض ازخدا نمي داند, خود را گم كرده و با نواقص وجودي خود آشنا نيست, فقرمحض است ولي خود را غني مي داند در حالي كه جهل مركب است خود را عالم مي شناسد و خود را بي نياز از استغفار و طلب مغفرت از خدا و رفع نواقص وجودي مي داند.** |
| **64- فرح و حزن :**  **عاقل, با استعانت از خدا موانع موفقيت هاي خود در زندگي از قبيل جهل و ناداني و ضعف در برابر انسان ها و ناتواني در برابر كائنات و جهان هستي را برطرف و احساس كمبود و نيازي نمي كند. فقر او به غناي خدا و جهل او به علم خدا و ضعف او به قدرت خدا متصل و از اين اتصال حالت فرح و شادي در او پيدا مي شود.**  **جاهل, به جهت عدم اطاعت ازخدا و تبعيت از تمايلات نفساني براي موفقيت در زندگي و رسيدن به آرامش فكري و روحي بال و پر و براي مصونيت از حوادث و مصائب, نيروي دفاعي ندارد در نتيجه گرفتار غم و غصه است.** |
| **65- بركت و محق :**  **عاقل, انسان متفكر و طيب و طاهري است كه مانند درخت با بركتي به تمام زمين ها ريشه دوانيده و از آسمان ها سر برآورده و ثمرات وجودي خود را همه جا و همه وقت در اختيار مردم مي گذارد.**  **جاهل, مانند علف هرز, ابتداي زندگي اش تولد و انتهاي آن مرگ است يعني از زمين مي رويد كمي به فضا و هواي طبيعت سر مي كشد دو مرتبه به مبدا زندگي خود بر مي گردد . تمام همت او شكم پرستي و شهوت و با تمامي وجود در طبيعت محبوس است.** |
| **66- عافيت و بلا :**  **عاقل,تمام سرمايه هاي وجودي خود اعم از مال و ثروت و سلامتي بدن و جواني و عمر خود را براي كسب سعادت درآخرت فرسوده و زندگي خود را در خط تكاملي به سوي خدا به ثمر مي رساند و سود سرشاري به دست مي آورد.**  **جاهل, از ابتدا تا انتهاي زندگي در اثر ابتلاء به مصيبت و بلاها, سرمايه هاي وجودي خود را يكي پس از ديگري از دست داده و به كهنگي برمي گردد و رشد بدني و فكري او متوقف و به جهت عدم ارتباط با خدا در همان حال باقي مي ماند.** |
| **67- قوام و مكاثرت :**  **عاقل, مال و ثروت و مقام و علم و معرفت خود را از راه اطاعت خدا و خدمت و محبت به انسان ها به دست مي آورد فلذا زندگي او در سايه لطف خدا و دوستي بسياري از انسان هاي خوب و با فضيلت از دوام و قوام بالائي برخوردار است.**  **جاهل,مال و ثروت و مقام و علم و هنرخود را از راه نامشروع و ظلم و ستم و استثمار انسان ها به دست مي آورد و براي هر رقمي از آنها حقي را ضايع و انسان ها را دشمن خود مي سازد و در نتيجه زندگي او توام با رنج و زحمت و مشقت و فاقد آسايش بوده و قابل دوام و بقاء نيست.** |
| **68- حكمت و هوي :**  **عاقل, قبل از اقدام به هركاري نفع و ضرر آن را در نظرش مجسم ساخته و از نظر اين كه مطلوب و يا مبغوض خدا بوده و رعايت حقوق انسان ها درآن ملحوظ شده است را بررسي مي كند.**  **جاهل, پيش از اين كه متوجه نفع و ضرركاري شود و برخورد كارخود با حقوق انسان ها را نظر بگيرد بدون كشف رضا و يا غضب خدا سرمايه هاي مالي و معنوي خود را در راه رسيدن به لذائذ مادي و اميال شخصي و مطابق هوي و هوس خود به كار مي گيرد.** |
| **69- محافظت و تهاون :**  **عاقل, در تفكرات خود, خدا و قيامت را درك مي كند و خود را براي آينده بعد از مرگ به اخلاق فاضله و صفات پسنديده مجهز مي كند و از ظلم و گناه وحشت دارد و خدا را ناظر به اعمال خود مي داند و درباره خود و جامعه احساس مسئوليت مي كند.**  **جاهل, در تلاش ها و فعاليت ها و تفكراتش خدا و قيامت را رها كرده و مسئوليتي را از جانب دين و خدا به عهده خود نمي داند و تمامي توجهات او به دست آوردن منافع مادي است و در اين راه از انجام گناه و ظلم و ستم به انسان ها اباعي ندارد.** |
| **70- دعا و استنكاف :**  **عاقل, به جهت ارتباط قلبي با خدا, حالت دعا و نيايش دارد و با بهره گيري از الطاف خداوند از طريق دعا و خواهش از قدرت و توانائي او براي رفع نواقص وجودي خود استفاده مي كند.**  **جاهل, به اقتضاي نفس خود كه فاقد علم و معرفت نسبت به خدا و قدرت نامتناهي اوست از تسليم و انقياد به مقام مقدس الهي خودداري و حاضر نيست كه آن را قبول و خود را در خط اطاعت و بندگي خدا قرار دهد و از ابراز نيازهاي روحي و معنوي خود به درگاه الهي خودداري مي كند.** |
| **71- الفت و فرقت :**  **عاقل, خدا و انسان ها را براي خود بزرگ ترين رقم لذت و ثروت مي داند و براي بهره برداري از ثمرات وجودي آنها سعي در برقراري ارتباط درك وجود آنها دارد و در اين راه صد درصد مجذوب آنها شده و حالت الفت و وابستگي به آنها در قلب او به وجود مي آيد و فكر او از خودگرائي به جامعه گرائي انتقال مي يابد. (الفت)**  **جاهل, همه انسان ها را مزاحم خود مي شناسد و از آنها دوري مي كند و رابطه و محبت او به ديگران كاذب و در راستاي استخدام و بهره كشي در جهت منافع خود مي باشد و اين امر بيشتر مايه فرقت و جدائي مي شود.** |
| **72- سخاوت و بخل :**  **عاقل, منافع وجودي خود را د وجود خود ذخيره و احتكار نمي كند و در ارتباط با افراد جامعه نافع و سودمند به حال آنهاست و با اين كار محبت و دوستي انسان ها را به خود جلب و روابط اجتماعي را تقويت مي كند.**  **جاهل, به جهت خود گرائي از نظر نفع رساني به جامعه خشك و همه چيز را در خود ذخيره و احتكار مي كند به تصور اين كه اگر منافع وجودي خود را در اختيار ديگران قرار دهد موجوديت خود را از دست مي دهد.** |
| **73- ايمان و كفر :**  **عاقل, براي نجات از خطرات نفساني و خودداري از افراط و تفريط در استفاده از غرائض و دوري از بغض و عداوت نسبت به انسان ها و از بين بردن جهل و ناداني و موانع و ارتباط با خدا, خدا را وسيله امنيت خود قرارداده و به او پناهنده مي شود و با افاضه روح ايمان در قلب او از جانب خدا, خود را با آرامش و آسايش به مقصد مي رساند.**  **جاهل, هدفش در زندگي به دست آوردن منافع مالي و مادي است و به جهت عدم برقراري ارتباط با خدا فاقد نيروي ايمان بوده و براي رهايي و نجات از خطرات و تهديداتي كه در زندگي با آن مواجه است با تضييع حقوق انسان ها براي به دست آوردن مال و ثروت و قدرت بيشتر متوسل به قتل و كشتار و از بين بردن آنهامي شود.** |
| **74- سعادت و شقاوت :**  **عاقل, دعوت خدا را اجابت و باعنايت او مجهزبه علم و قدرتي شده كه خلاف نظر او نمي انديشد و همه چيز را چنان مي بيند و مي داند كه خدا مي بيند و مي داند و به هركاري قادر و تواناست چنان كه خدا قادر و تواناست.**  **جاهل, به جهت اجابت خواهش هاي نفساني و عدم برقراري ارتباط با خدا از كسب معارف الهي محروم و در نتيجه فاقد علم و قدرتي است كه عامل خوشبختي او در دنيا و آخرت است فلذا در محروميت مطلق قرار مي گيرد.** |
| **75- رفق و خرق :**  **عاقل, بزرگ ترين نعمت و ثروت را برقراري ارتباط با انسان ها مي داند و در روياروئي با آنها با حفظ حرمت انساني آنها, با قيافه باز و خوشروئي و سلام دادن و با افرادي كه آشنائي قبلي دارد با احوال پرسي و مصافحه و با رعايت اعتدال, رفاقت و دوستي صميمانه خود را اعلام و طرف مقابل را خوش حال و بهره مند مي نمايد.**  **جاهل, در برخورد با ديگران با بي توجهي به حرمت انساني آنها با بي اعتنائي و ترش روئي و قيافه عبوس باعث ناراحتي آنها شده و حقوق انساني آنها را رعايت ننموده و از خود مي رنجاند و از بهره مندي از اين ثروت انساني محروم مي شود.** |

**الحمدلله‌ اولا و آخرا و انا العبد- محمد علي صالح غفاري**